

خبر

رئیس دستگاه قضا در نشست شورای عالی قوه قضائیه که با حضور رئیس جمهور برگزار شد:

همه مکلف به حمایت از دولت هستیم

رئیس قوه‌قضائیه با تأکید بر شرایط سخت حاکم بر جامعه گفت: همه ما موظف و مکلفیم به دولت کمک تا در اداره امور کشور و قوای مسلح، کوچک‌ترین خللی ایجاد نشود.

به گزارش ایرنا از مرکز رسانه قوه‌قضائیه، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای در نشست شورای عالی قوه قضائیه که با حضور رئیس جمهور برگزار شد، با بیان اینکه رئیس جمهور انسان با اخلاصی است، اظهار کرد: دکتر پزشکیان، تمام هم و غم خود را گذاشته تا آنچه به نفع اسلام و ایران و مردم است، رقم بخورد، ما نیز باید نهایت کمک و مساعدت را به وی و مجموعه دولت داشته باشیم. رئیس عدلیه اضافه کرد: دکتر پزشکیان اعتقاد راسخ دارد که کلام رهبری معظم انقلاب، فصل الخطاب است و باید به نیروهای مسلح، نهایت کمک و مساعدت را انجام داد، ما این موضع رئیس جمهور را می‌ستاییم.

رئیس قوه قضائیه گفت: من شهادت می‌دهم که دکتر پزشکیان مخلصانه در حال خدمت به مردم و نظام است. اینکه رئیس جمهور در سخنانش از موانع می‌گوید، به هیچ وجه به معنای ناامیدی نیست، بلکه می‌خواهد از ما مسئولان در سایر قوا، استمداد بطلبد و بر همه ما فرض است تا به رئیس جمهور و مجموعه دولت کمک کنیم.

پزشکیان: مهم‌ترین میدان نبرد امروز، معیشت مردم است

رئیس جمهور هم در جلسه شورای عالی قضایی با تأکید بر اینکه عدالت، مهم‌ترین پایه حفظ نظام حکمرانی و معیشت مردم، اصلی‌ترین میدان نبرد در جنگ اقتصادی است، گفت: امروز بیش از هر زمان دیگری به وحدت، همدلی، تصمیم‌گیری مبتنی بر خرد جمعی و همراهی همه ارکان کشور نیاز داریم دولت نیز با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها؛ اصلاح ساختارهای نا عادلانه و خدمت به مردم را با جدیت دنبال خواهد کرد.

مسعود پزشکیان سیدگی به مشکلات معیشتی مردم و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را از مهم‌ترین تکالیف دینی و حکمرانی دانست و افزود: از منظر اعتقادی، پذیرفتنی نیست در جامعه‌ای زندگی کنیم که مردم با مشکلات معیشتی، بیکاری فقر و گرفتاری دست‌وپنجه نرم کنند و ماصرف‌آیه انجام برخی اقدام‌های دیگر دل خوش باشیم. وی با استناد به آموزه‌های قرآنی، بی‌تفاوتی نسبت به محرومان را از مهم‌ترین عوامل انحراف و سقوط جوامع معرفی و با تأکید بر مسئولیت مشترک همه ارکان اجرایی کشور در قبال مشکلات مردم، تصریح کرد: دولت و همه مسئولانی که در کنار ما خدمت می‌کنند، نمی‌توانیم نسبت به چنین شرایطی بی‌تفاوت باشیم. این وضعیت به‌سادگی قابل اغماض نیست. نمی‌توانیم صرفاً به این بسنده کنیم که مسئولیتی بر عهده داریم و در جایگاه مدیریتی قرار گرفته‌ایم. این دغدغه همواره در ذهن و قلب من وجود دارد و حقیقتاً نمی‌توانم نسبت به آنچه در جامعه می‌گذرد، بی‌تفاوت باشم. رئیس جمهور با تأکید بر ضرورت مدیریت همزمان مقاومت و تاب‌آوری اجتماعی، استمرار این مسیر را نیازمند ارزیابی مستمر ظرفیت‌های کشور دانست و افزود: اگر مسیری را آگاهانه انتخاب می‌کنیم، باید پیامدهای آن را نیز بپذیریم.

دیدگاه

منطق ژئوپلیتیکی حمله به آق‌قلا و چابهار، حمله به فعال‌سازی مسیرهای جایگزین تجارت دریایی است

نبرد بر سر کریدورها

گروه سیاسی | فاطمه خادم شیرازی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه مرکز بین‌المللی مطالعات صلح است. او در یادداشتی برای پایگاه تحلیلی «دیپلماسی ایرانی» به‌منطق ژئوپلیتیکی حمله به آق‌قلا و چابهار پرداخته و آن را نبردی بر سر کریدورها ایران دانسته‌است، بخش‌هایی از این یادداشت را مرور می‌کنیم.

«اگر حمله آمریکا به آق‌قلا و چابهار را نه دور‌خدا جداگانه، بلکه دو حلقه از یک طراحی بزرگ‌تر بدانیم، باید از سطح خبر عبور کنیم. برای فهم این رویدادها باید به‌منطق ژئوپلیتیکی آن‌ها توجه داشت. هدف اصلی صرفاً تخریب چند پل یا آسیب زدن به یک بندر نیست. مسئله مهم‌تر، ضربه زدن به جایگاه ایران در هندسه جدید ترانزیت منطقه‌ای است.

آق‌قلا و چابهار در ظاهر دو نقطه جغرافیایی دور از یکدیگرند. یکی در شمال و در امتداد مسیر ریلی متصل به آسیای مرکزی و روسیه قرار دارد و دیگری در جنوب شرقی، در ساحل اقیانوسی ایران و رو به هند و آب‌های آزاد واقع شده است. با این حال، هر دو نقطه یک کارکرد راهبردی مشترک دارند. آن‌ها می‌توانند ایران را به گره ارتباطی مهمی میان شمال و جنوب و میان خشکی اوراسیا و آب‌های اقیانوسی تبدیل کنند. به همین دلیل، حمله به این دو نقطه را باید حمله به نقش ترانزیتی ایران دانست، نه صرفاً حمله به دو زیرساخت. آق‌قلا صرفاً یک مسیر محلی با یک خط فرعی حمل و نقل نیست. مسیر اینچپه‌رون، گرگان و گرمسار بخشی از شاهراهی است که ایران را به ترکمنستان، قزاقستان و در نهایت روسیه متصل می‌کند. این مسیر در ساختار بزرگ‌تر کریدور شمال – جنوب نیز اهمیت دارد و فعال شدن آن می‌تواند امکان پیوند با هند و دیگر بازارهای منطقه‌ای را فراهم کند. بنابراین، هدف قرار گرفتن چنین مسیری حامل پیامی روشن است: هر گونه تلاش برای فعال‌سازی مسیرهای جایگزین تجارت با واکنش سخت مواجه خواهد شد. این مسیرهای جایگزین می‌توانند بخشی از فشار ناشی از محاصره، تحریم یا محدودیت‌های دریایی را خنثی کنند.

از همین رو، آق‌قلا فقط یک پل یا خط آهن نیست. این منطقه حلقه‌ای حیاتی از زنجیره‌ای است که ایران، روسیه، آسیای مرکزی و در سطحی گسترده‌تر چین را به یکدیگر متصل می‌کند. در این چارچوب، منطق آمریکا فقط امنیتی نیست. این منطق ابعاد اقتصادی، کریدوری و بازدارنده نیز دارد. هدف آن است که ایران نتواند از موقعیت جغرافیایی خود برای خنثی‌سازی فشارهای دریایی، تحریم‌های خارجی و محدودسازی‌های ژئوپلیتیکی استفاده کند.

همزمان با اصابت پرتابه به یک کشتی در تنگه هرمز، انصارالله نیز از آغاز محاصره دریایی عربستان خبر داد

تا بحران هرمز به باب المندب و دریای سرخ پیوند بخورد

دود جنگ طلبی آمریکادرچشم جهان



گروه سیاسی | در صد و چهل و سومین روز تقابل، جنگ از تمرکز صرف بر هرمز عبور کرد و به زنجیره‌ای از محاصره‌ها، حملات متقابل و پیام‌های دیپلماتیک همزمان تبدیل شد. آمریکا برای نهمین شب پیاپی به ایران حمله کرد و دامنه اهداف از سواحل جنوبی فراتر رفت؛ تیریز در شمال غرب هدف قرار گرفت و به نیروگاه هسته‌ای در حال ساخت دارخوین نیز مستقیماً حمله شد. همزمان، یک کشتی یونانی در تنگه هرمز پس از اصابت پرتابه دچار آتش سوزی شد و خدمه آن ناچار به ترک شناور شدند. در سطح منطقه‌ای، ایران حملات به تأسیسات و پایگاه‌های مرتبط با آمریکا در کویت و بحرین را ادامه داد و انصارالله یمن نیز در پاسخ به حمله به فرودگاه صنعا، محاصره دریایی عربستان را اعلام کرد. با این حال، تبادل پیام با آمریکا از مسیر میانجی‌ها هنوز ادامه دارد.

حمله به دارخوین و گسترش میدان

پس از اینکه آمریکا حمله به نیروگاه در دست ساخت دارخوین را در دستور کار قرار داد و از خط قرمز جدیدی در جنگ عبور کرد، با حمله به تیریز نشان داد الگوی جغرافیایی روزهای اخیر جنگ هم در حال تغییر است. در روزهای گذشته فشار اصلی بر جنوب ایران، جزایر، بنادر و مراکز مرتبط با هرمز متمرکز بود؛ اما هدف قرار گرفتن شمال غرب کشور پیام داد که واشنگتن ممکن است جنگ را از محدوده جنوب خارج کند. از نگاه ایران،

این روند همان چیزی است که درگیری را از «تقابل محدود» به «جنگ تمام‌عیار» نزدیک می‌کند.

هرمز؛ مرکز بحران انرژی

با وجود گسترش حملات، هرمز همچنان مرکز ثقل بحران باقی ماند. آتش گرفتن یک کشتی در نزدیکی آب‌های عمان و نجات خدمه آن نشان داد امنیت کشتیرانی هنوز به حالت عادی بازنگشته است. قیمت نفت برنت نیز بار دیگر از مرز ۹۰ دلار گذشت؛ نشانه‌ای از اینکه بازارها

ناامنی هرمز را نه یک تهدید لفظی، بلکه واقعیتی عملی می‌دانند. در همین فضا، سخنگوی وزارت خارجه ایران بار دیگر تأکید کرد مسئولیت مدیریت آینده هرمز با ایران است و این موضوع باید در گفت‌وگو با عمان و کشورهای منطقه پیگیری شود. بنابراین، ایران همچنان هرمز را نه آبراهی زیر حفاظت آمریکا، بلکه بخشی از حق حاکمیتی و بازدارندگی ملی خود می‌بیند.

پایگاه‌های آمریکا در تیررس

ایران پاسخ منطقه‌ای خود را نیز ادامه داد. سپاه از وارد کردن ضربات سنگین به تأسیسات آمریکا در بحرین و کویت خبر داد؛ از آشیانه‌های تعمیر پهپاد در فرودگاه الصخیر بحرین تا تأسیسات مرتبط با Task Force ۵۹ در بندر سلمان و بخش‌هایی از پایگاه عریفجان در کویت. حمله به ایران از شبکه پایگاه‌های آمریکا، پاسخ به همان شبکه را در پی خواهد داشت. کشته شدن دو نظامی آمریکایی در اردن و گزارش‌ها درباره زخمی شدن ده‌ها نیروی دیگر نیز نشان داد جنگ برای واشنگتن دیگر فقط عملیات از راه دور نیست؛ نیروهای آمریکا در منطقه مستقیماً هزینه می‌دهند.

یمن؛ محاصره در برابر محاصره

تحول مهم دیگر، اعلام محاصره دریایی عربستان از سوی انصارالله یمن بود. این تصمیم پس از حمله به فرودگاه صنعا و جلوگیری از فرود پرواز ایرانی اعلام شد. سخنگوی نظامی انصارالله گفت: محاصره با محاصره پاسخ داده می‌شود و این اقدام از لحظه صدور بیانیه، اجرایی است. اهمیت این رخداد در آن است که بحران هرمز اکنون به باب المندب و دریای سرخ نیز پیوند می‌خورد. اگر عربستان در منطق انصارالله بخشی از محاصره هوایی و دریایی یمن باشد، مسیرهای دریایی آن نیز به هدف پاسخ تبدیل می‌شود. این یعنی جنگ دیگر فقط در خلیج فارس جریان ندارد؛ حلقه‌های آن در حال گسترش به کل جغرافیای انرژی و کشتیرانی منطقه است.

ایستگاه صد و چهل و سوم؛ دیپلماسی زیر آتش

جنگ وارد مرحله‌ای دوگانه شده است؛ از یک سو، آمریکا حملات خود را گسترش می‌دهد و از سوی دیگر، پیام‌هایی از مسیر میانجی‌ها رد و بدل شده و دیپلماسی در کنار دفاع، فعال است. تفاهم‌نامه شاید هنوز در کانال‌های پشت پرده و با اصرار میانجی‌ها، نفس بکشد. اما در میدان زیر آتش است. تا وقتی هرمز ناامن، پایگاه‌های آمریکا در تیررس و یمن در وضعیت محاصره متقابل باشد، دیپلماسی نه‌مسیر پایان جنگ، بلکه بخشی از مدیریت جنگ خواهد بود.

پشت بیانیه اخیر سپاه که در آن شهروندان دو کشور اسلامی مورد خطاب قرار گرفته‌اند، چه پیامی نهفته است؟

گرای اتحاد از اندلسی تا اردن

کافران آمریکایی است. بخش دوم بیانیه ناظر بر عملکرد آینده و به نوعی جهت‌دهی به تک‌تک شهروندان مسلمان است؛ جایی که تأکید می‌شود برابر فتوای علمای همه مذاهب، متجاوز به سرزمین امت اسلامی مهورالدم بوده و تکلیف دینی است برابر اشغالگران آمریکایی قیام کرده و از سلطه‌رهایی یابند.

صحنه‌های آفریده شده در حمایت از فلسطین و ایران در نقاط مختلف جهان ثابت می‌کند ملت‌های آزاده و مسلمان در مسیر تقابل با مستکبران از حاکمان خود فرسنگ‌ها جلوترند. چنین بینشی منشأ خبر است و تهران برای بهره‌برداری از این ظرفیت بزرگ برنامه داشته و بیانیه سپاه که به جای مسئولان، شهروندان اردن و کویت را خطاب قرار داده، در همین جهت است. بیداری و هوشیاری مردمی بر مدار فلسطین، عقب‌نشینی حاکمان فاسد و وابسته را به دنبال داشته و این همبستگی و اتحاد امت و دولت‌ها کابوس آمریکا و رژیم صهیونیستی است. به تعبیر امام خمینی (ره) اگر مسلمین جمع شوند و هر کدام یک سطل آب بریزند، اسرائیل را آب می‌برد؛ امروز با پرچم‌داری ایران اسلامی چنین اتحادی در حال رقم خوردن است ان‌شاءالله.

بیاموزند. همین ملت‌ها بودند که با برگزاری راهپیمایی و تجمعات گسترده، حقیقت ۷ اکتبر و عملیات بزرگ مقاومت فلسطین را به جهان شناساندند، این شهروندان در پهنه جغرافیای اسلامی بودند که مقابل پروژه صلح آبراهام و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی قد علم کرده و مسیر آن را بستند و همان‌ها که با طرفداری از دولت اروپایی اسپانیا، یک بازی فوتبال در جام جهانی را به ویتربنی برای دفاع از آزادی‌خواهی تبدیل کرده‌اند، حقیقت ایستادگی ملت ایران را به خوبی درک کرده و این واقعیتی است که زورگویان جهان باید از آن بترسند. چنین مردمی لایق قدردانی و البته هدایت مستمر در مسیر مقاومت هستند و بیانیه اخیر سپاه پاسداران خطاب به اردنی‌ها و کویتی‌ها چنین خط مشی و رسالتی داشت.

پیام مذکور دارای دو جنبه مهم است؛ بخش نخست با قدردانی از مردم شریف و ارتشیان مجاهد اردن در حوزه همکاری اطلاعاتی که زمینه حمله به پایگاه ایالات متحده در خلیج عقبه و منطقه الزرق را فراهم آورد، به کویتی‌ها یادآوری شده سرزمین آن‌ها مدت‌هاست در اشغال

خارج شد؛ این‌گاران منافع ما بود یا خود را مغبون می‌دید؟

وی درباره سفر سیدعباس عراقچی به قطر و طرح پیشنهادی دوحه بیان کرد: درباره‌اصل تلاش میانجی‌ه‌ای‌را کاهش تنش‌نیز اینکه جمهوری اسلامی ایران از هیچ اقدامی برای پاسخ به اقدام‌های آمریکا فروگذار نمی‌کند، تردیدی وجود ندارد.بقیای افزود: پیشنهادهایی از سوی میانجی‌ها به ایران ارائه شده‌است، اما در حال حاضر درباره جزئیات آن‌ها اظهار نظر نمی‌کنیم.

در ایران کسی جنگ‌طلب نیست

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه در ایران دو جریان جنگ‌طلب و صلح‌طلب وجود دارد، گفت: من در ایران کسی را جنگ‌طلب نمی‌شناسم. ملت ایران صلح‌دوست هستند.

مگر ما تا آخرین لحظه برای دیپلماسی تلاش نکردیم؟

وی ادامه داد: هیچ انسان سلیم‌النفسی از جنگ حمایت نمی‌کند، مگر کسانی که این جنگ را به راه‌انداختند. صلح کالایی لوکس نیست که آن را در سینی تقدیم کنند. در منطقه ما صلح بسیار پرهزینه است و ملت ایران برای آن هزینه‌های بزرگی پرداخته و بهترین انسان‌های خود را تقدیم کرده‌است. بنابراین باید از نگاه‌های فانتزی به جنگ و صلح فاصله گرفت.

پیامدهای سنگین ماجراجویی ترامپ در مورد خارک

بقایی در پاسخ به پرسش خبرنگار قدس آنلاین درباره تهدید مجدد ترامپ به تصرف جزیره خارک ایران گفت: تبعات سنگین این اقدام را خواهند دید. در همان مناطق افرادی هستند که تعدادشان هم کم نیست و برای چنین اقدامی لحظه‌شماری می‌کنند.وی همچنین در واکنش به تکرار ابراز تمایل مارکو